



مقدمه

بی تردید یکی از مهمترین کارویژه‌های دولت‌های مدرن در درون یک کشور و یا محیط اجتماعی - سیاسی تلاش در جهت حفظ و سپس انتقال و گسترش ارزشهای سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی خویش به نسل‌های بعدی می باشد که در صورت بی توجهی به این، مهم تداوم کارکردی نظام سیاسی مذکور با مشکل مواجه می گردد؛ این فرایند اصطلاحاً جامعه پذیری سیاسی) نامیده می شود. جامعه پذیری یا فرهنگ پذیری سیاسی فرایندی است که بر اساس آن جامعه گرایش ها نگرش ها دانش ها و اطلاعات و خلاصه ارزش ها و معیارهای سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند در واقع جامعه پذیری سیاسی یکی از ابعاد فرعی فرهنگ در سطح جامعه به شمار می آید و از آن جدا نیست ولی در عین حال با آن تفاوت دارد همانطور که جامعه پذیری فرهنگی در جامعه به فراگردی گفته شود که بر اساس آن فرد یا ساختهای عقیدتی نظری و الگوهای رفتاری فرهنگ در جامعه خویش آشنا میشود و با آنها ارتباط برقرار می کند، جامعه پذیری سیاسی نیز که یکی از ابعاد نوعی فرهنگ کلی جامعه است، به معنی وسیع فراگردی است که یک جامعه از طریق آن فرهنگ سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل میکند از طرف دیگر جامعه پذیری سیاسی موضوعی مرتبط با فرهنگ سیاسی باشد. ضمن آنکه می فرهنگ سیاسی اعم از روند جامعه پذیری سیاسی بوده و علاوه بر آن در زیر مجموعه ی مطالعه ی عملی جامعه پذیری اجتماعی - مورد توجه جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی و دیگر متخصصان علوم اجتماعی گیرد همچنانکه «آنتونی اورم» بیان داشته است جامعه پذیری عبارت از فرایندی است که بواسطه آن انسانها چهارچوب اعتقادی، ارزشی و گرایشات موجود در جامعه را کسب می نمایند. این تعریف توسط کاردینر چنین تکمیل گردید که فرایند جامعه پذیری وسیله ی رسیدن به توافق جمعی میان اعضای جامعه است که از طریق آن ایشان شیوه ها، ارزش ها و نقش های اجتماعی را فرا گرفته و هر یک از اعضا دارای هویتی اساسی می گردد به طور کلی جامعه پذیری سیاسی با گرایشهای توجیهی مردم از مسایل و وقایع سیاسی ارتباط دارد و مقوله ای است که توجه را به کیفیت شناخت سیاسی، اعتقادات و ارزشهای یک شهروند متوسط جلب می کند. مثلاً یک شهروند از دولت خود چه

انتظاراتی دارد؟ آیا به پشتیبانی از قوانین احکام و مقررات مملکتی تمایلی نشان می‌دهد؟ و تحت چه شرایطی؟ موضوع جامعه‌پذیری سیاسی چند پیش فرض را در بر دارد نخستین پیش فرض اینست که در کشورهای مختلف شهروندان نسبت به رهبران و ساخت‌های سیاسی خود احساس مختلفی دارند و عقاید گوناگونی را ابراز می‌دارند. دومین پیش فرض اینست که گرایش‌هایی که شهروندان یک مملکت درباره امور سیاسی کشورهای خود دارند بر چگونگی عملکرد سیاسی نظام اثر می‌گذارد. سومین پیش فرض اینست که عملکرد یک نظام سیاسی به طور قابل ملاحظه‌ای با حالات رفتار و ارزشهای مردم آن ارتباط بسیار نزدیک دارد، بدین معنی که سیاست در هر جامعه به همانگونه‌ای شکل می‌گیرد و پیاده می‌شود که شهروندان تحت لوای یک نظام به آن اعتقاد دارند و احساس می‌کنند با توجه به پیش فرضهای فوق میتوان سوال اساسی تری را نیز مطرح ساخت. مثلاً چه مکانیسمهای اجتماعی است که تعیین کننده خصوصیات و مشخصات سیاسی یک ملت است؟ بخشی از پاسخ به این سؤال را می‌توان در مساله جامعه‌پذیری سیاسی جستجو کرد همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، جامعه‌پذیری سیاسی به فراگردی اطلاق می‌شود که در جریان، آن شهروندان دیدگاههای خود را از جهان سیاست کسب میکند به بیان دیگر جامعه‌پذیری سیاسی کانالی است که از مجرای آن یک نسل، دیدگاهها عقاید و معیارهای سیاسی خود را به نسل بعد از خود منتقل می‌کند، همچنین واژه انتقال «فرهنگی در واقع همان فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی است؛ فراگردی که هم از طریق برنامه‌های آموزش رسمی و هم از طریق آموزش غیر رسمی که غالباً به صورت نا آگاهانه در خانواده گروههای همسن و مدرسه انجام می‌گیرد وظیفه نگهداری انتقال و تداوم نگرش‌ها و ارزشهای سیاسی بین نسل‌ها را بر عهده دارد رونالد چیلکوت نیز جامعه‌پذیری سیاسی را امری میداند که حول نقشهای فردی محتوا و عاملان فعال در فرایند یادگیری در مورد سیاست دور میزند (چیلکوت، ۱۳۷۷)

این در حالی است که جامعه‌پذیری سیاسی از اوان زندگی بتدریج شکل گرفته و در مرحله نوجوانی و جوانی به شکل کامل خود نزدیک شده که در این میان جوانان و نوع جامعه‌پذیری آنها نسبت به نظام سیاسی از اولویت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار میشود چرا که جامعه‌پذیری سیاسی آنها در این مرحله از نوعی آگاهی برخوردار میباشد و این



روند ممکن است در سراسر زندگی یک فرد نسبت به نظام سیاسی، خویش تداوم یابد در میان جمعیت عظیم و گسترده جوانان، چگونگی و عوامل موثر بر روند جامعه پذیری سیاسی دانشجویان از اهمیت والایی برخوردار است چرا که دانشجویان به عنوان قشر تحصیلکرده و در عین حال مرجع جامعه تاثیرگذاری زیادی در روند تحولات سیاسی و اجتماعی کشور دارند. در طول دوران ۳۵ ساله حیات نظام جمهوری اسلامی دانشجویان از اقشار مهم و تاثیر گذار در تمامی عرصه ها بویژه سیاسی بوده اند که شدت و ضعف فعالیت آنها در دوره زمانی فعالیت دولتهای، مختلف متفاوت بوده است این تفاوتها تا حد زیادی متأثر از تفاوت در نوع جامعه پذیری سیاسی دانشجویان نیز می باشد که در این مقاله به روند و چگونگی جامعه پذیری سیاسی آنان پرداخته می شود.

۱. مبانی نظری تحقیق: رهیافت نظری جامعه پذیری سیاسی

نظریات ساختاری درباره جامعه پذیری سیاسی: نظریه جامعه پذیری و جامعه پذیری سیاسی نظریه های مستقل نیست و نمی تواند ترجمان تمامی پدیده های رفتاری، باشد بلکه مهرهای است از یک مجموعه نظری جزئی از نظریه کارکردگرایی ساختاری اصل نظریه ساختاری کارکردی متعلق به پارسونز بوده است. به عقیده وی هر جامعه ای برای بقا و تداوم حیات خود ناگزیر از انجام دادن چهار کارکرد مختلف است که شرط اساسی تداوم نظام محسوب می شود. چهار کارکرد مد نظر پارسونز عبارتند از: حفظ و نگاهداری، الگو دستیابی به، هدف تطبیق یا سازواری و یکپارچگی. ارتباط این نظریه با جامعه پذیری سیاسی در حفظ و نگاهداری روشن می شود، یعنی هر جامعه ای می کوشد تا از طریق جامعه پذیری، فرهنگی، گرایش ها اعتقادات ارزشها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی را به منظور حفظ و نگه داری کل نظام اجتماعی به نسلهای بعد منتقل سازد (خواجه سروی، ۱۳۷۸: ۲۹۳) بنابراین می بینیم که نظریه جامعه پذیری سیاسی پارسونز نظریه های فرهنگی است. از دید پارسونز بین جامعه پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی از یک رابطه و تأثیر و تأثر متقابل برخوردارند، یعنی بر اساس نوع فرهنگ سیاسی در هر جامعه ای، جامعه پذیری و محتوای آن جامعه مشخص میشود از طرف دیگر بر اساس جامعه پذیری و فرهنگ سازی دست اندرکاران نوع فرهنگ سیاسی آن جامعه شکل می گیرد (اختر شهر ۱۳۸۶: ۷۵) از اینرو جامعه پذیری سیاسی

که کار انتقال محتوای فرهنگ سیاسی را برعهده دارد سبب حفظ و نگهداری فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی گاهی تغییراتی را در فرهنگ سیاسی یک جامعه به وجود می‌آورد. جامعه‌پذیری سیاسی از زاویه فرایند رشد پای نظریه خود را در حوزه‌نوسازی و توسعه سیاسی در جارجوب "نظریه بحران" مطرح کرده است پای معتقد است که یک نظام سیاسی برای تحقق فرایند توسعه، سیاسی باید بتواند از یک سلسله بحرانها به طور موفقیت آمیز عبور کند. این بحرانها عبارتند از بحران هویت بحران مشروعیت بحران توزیع، بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران یکپارچگی عبور موفقیت آمیز از این بحرانها توسط کارکردهای نظام سیاسی و فرایند جامعه‌پذیری انجام می‌گیرد. از دید پای جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی سه مرحله‌ای است که از جامعه‌پذیری عمومی یا پایه از ابتدای زندگی فرد آغاز شده و به فرایند گمارش سیاسی می‌رسد (بشیریه ۱۳۸۲: ۳۸۴)

بر اساس نظریه پای در یک جامعه پویا بین این سه فرایند درجه بالایی از پیوستگی و تداوم وجود دارد، به طوری که هر یک دیگری را تقویت میکند. بهم پیوستگی میان این سه فرایند سبب برقراری نظم در جامعه می‌شود در جوامع، انتقالی شرایط کاملاً متفاوت است بطوریکه این مراحل فاقد انسجام و به هم پیوستگی می‌باشند به علاوه فقدان ثبات و عدم تداوم برای فرایند جامعه‌پذیری پایه سبب بروز مشکلاتی برای شکل‌گیری هویت فرد می‌شود (اختر شهر: ۱۳۸۶: ۷۲). از اینرو نوعی بحران هویت پایه برای فرد به آید که میتواند زمینه ساز بحرانهای دیگر نیز می‌شود. اینک به فرایند می‌سه مرحله ای جامعه‌پذیری سیاسی پای خواهیم پرداخت: نوسین پای فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را دریچه فرایند رشد مورد ارزیابی قرار داده و آن را شامل سه مرحله ی مهم می‌داند که عبارتند از: مرحله اول فرایند جامعه‌پذیری پایه که در این مرحله کودک با فرهنگ جامعه آشنا شده و به او آموزش داده میشود که چگونه میتواند عضو این جامعه شود. در سطح آشکار این فرایند شامل یادگیری نگرشها و ارزشها و مهارت ها، الگوی رفتاری و تمامی دیگر جوانب یک جامعه خاص می‌باشد. در سطح پنهان این فرایند شامل تمام تجربیاتی میشود که ناخودآگاه فرد را شکل داده و پویایی ساختار شخصیت اساسی را تعیین می‌کند در این مرحله فرد هویت خود را به عنوان یک عضو جامعه پیدا میکند و



به عبارتی در فرهنگ عمومی خویش اجتماعی می شود این مرحله دوران تشخیص هویت خود است که مفهوم هویت فرهنگی نیز در این مرحله تحقق می یابد (شارع پور ۱۳۷۸: ۱۳۰). مرحله دوم، جامعه پذیری سیاسی بعد از فرایند جامعه پذیری، پایه جامعه پذیری مطرح شود که بواسطه آن فرد نسبت به جهان سیاسی خود آگاهی یافته، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آنها را کسب می کند. در این مرحله فرد فرهنگ سیاسی جامعه خود را در خود درونی ساخته مفهوم هویت سیاسی نیز در این مرحله تحقق می یابد.

مرحله سوم فرایند گمارش سیاسی است یعنی زمانی که فرد در ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده گر حرکت نموده و به یک شهروند مشاهده گر فعال تبدیل می شود. او در این مرحله بینش عمیق تری نسبت به امور سیاسی یافته و به هویتی نهادینه شده و روشن دست یافته است سبزی پور ۱۳۸۷ (۴۲) از اینرو دیده میشود که جامعه پذیری سیاسی مد نظر، پای فرایندی مرحله ای و متصل به هم میباشد که در جریان رشد فرد تکامل یافته و موجب هویت و عمل سیاسی افراد می شود و وقفه یا اختلال در هر یک از این مراحل ممکن است جامعه پذیری فرد را متوقف کرده و سبب ایجاد بحران هم در فرد و هم در نظام سیاسی شود.

۱-۱. نظریات مربوط به عوامل مؤثر بر فرایند جامعه پذیری سیاسی

عوامل جامعه پذیری سیاسی: در جریان جامعه پذیری سیاسی چند عامل مهم و اساسی دخالت دارند که از جمله میتوان به، خانواده، مدرسه گروه های همتا محیط، کار رسانه های جمعی و کارگزاران حکومتی انجمنهای ارادی و نهاد دین را نام برد. عواملی مانند خانواده، دوستان و گروه همسالان جزء عوامل اولیه جامعه پذیری سیاسی می و وسایل ارتباط، جمعی مکانهای، آموزشی انجمنهای ارادی کارگزاران حکومتی و نهاد دین از عوامل ثانویه میباشند حاجیان و جهانگیری، ۱۳۸۷ (۹۳) که این عوامل در ذیل به صورت مختصر توضیح داده خواهد شد. خانواده خانواده نخستین پنجره کودک به جهان بیرون از خانواده و نخستین تماس او با اقتدار است خانواده تأثیر آشکار و پنهانی را بر ذهن کودک بر جای گذارد تأثیرهای پنهان سراسر ایستارهای او را نسبت به اقتدار متأثر می کند تأثیرهای آشکار سبب تحول افکار سیاسی او می شود ایستارهای

فرمانبرداری و همکاری ایستارهای اعتراض و مبارزه طلبی در معرض تأثیرهای خانوادگی است (عالم، ۱۳۸۵، ۱۲۰).

مدرسه: مدرسه نیز به مانند خانواده تأثیرهای آشکار و پنهانی را بر روند جامعه‌پذیری سیاسی افراد بر جای می‌گذارد مدارس در شکل گرفتن ایستارهای مربوط به قواعد نانوشته‌ی بازی سیاسی نقش مهمی دارند (Essen, 2010: 61) در عین حال که نظام آموزشی اثرهای مهمی بر روند جامعه‌پذیری دارد، اما ممکن است ارزشهایی که مدارس و دانشگاهها از آن برخوردارند نتیجه تلقین سیاسی مستقیم نباشد همانگونه که لیپست عنوان می‌کند تأثیر دانشگاه بر ارزشهای سیاسی پیچیده است و ممکن است محیط آن صرفاً آگاهی سیاسی را بیشتر کند، آنکه ایستارهای عمده سیاسی اثر بگذارد (شارع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۰). گروههای همتا یا دل بسته تأثیر پایداتری از مدارس و دانشگاهها دارند. این گروهها متشکل از افرادی بیرون از خانواده و به نوبه همسال می باشد که موقعیت مسائل و علاقمندیهای مشابهی دارند تجربیات افراد در میان دوستان در ایجاد تغییری کامل در ایستارهای ذهنی آنها اساسی است در نتیجه چنین تأثیراتی ایستاری خصوصیت آمیز و پرخاشگرانه به آسانی ممکن است به ایستار همکاری تبدیل شود یا برعکس عالم پیشین در واقع در برخی موارد گروه های هم سال اعضای خود را با تحریک و فشار مجبور به تطبیق با نگرشها یا رفتار مورد قبول میکنند (قوام، ۱۳۷۳: ۸۰).

محیط کار: آموزشی که شامل محیطهای کاری و مدارس و دانشگاهها نیز می شود. تجربیهای محیط کار بسیار مهم است طرز رفتار کارفرما با کارگران بینش و قضاوتی درباره طبیعت بشر در آنها می پروراند کودکی که در محیط خانوادگی دموکراتیک بزرگ شده، باشد اگر رفتار کارفرما با وی از روی پستی باشد خشم نشان دهد

وسایل ارتباط جمعی: به ابزارهایی اشاره دارد که کار انتقال پیام به جمع کثیری از افراد را بر عهده دارد نظام کنترل شده رسانه های جمعی نقش بسیار مؤثری در جامعه پذیری سیاسی بازی می کند. رسانه های جمعی در ایجاد یکپارچگی و هماهنگی نظرات افراد نسبت به نظام سیاسی میتوانند با اهمیت باشند و بنابراین نقشه شناسایی افراد را شکل دهند یا همانگونه که لوسین پای تأکید می رسانه های جمعی مناسب ترین روش موجود برای جامعه پذیری است (شارون؛ ۱۳۷۹: ۳۱) بنابراین رسانه ها نقش به سزایی



را در انتقال پیامهای سیاسی تقویت گرایشهای سیاسی، موجود ایجاد نگرشهای سیاسی جدید آماده سازی افکار عمومی در جهت پذیرش و انجام مشارکت سیاسی و نهایت مشروعیت سیاسی و انسجام سیاسی در یک جامعه بر عهده دارند. حکومت و کارگزاریهایی حزبی ارتباط مستقیم رسمی یا غیر رسمی با نخبگان نظام سیاسی نیروی پر توانی به وجود می آورد که یکی از مهمترین عامل های جامعه پذیری سیاسی را شکل می دهد. احزاب سیاسی با تبلیغات سیاسی مبارزه و فعالیت انتخاباتیافته ارائه نظریات سیاسی به صورت نوشته یا شفاهی و با مشخص و متراکم کردن منافع سیاسی نقش عامل مستقیم جامعه پذیری سیاسی را بازی می کند

دین و نهادهای دینی: دین به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای فرهنگی تأثیر به سزایی را در جامعه پذیری فرد به طور اعم و جامعه پذیری سیاسی به طور اخص دارد (آلموند) و دیگران (۱۳۷۶) ارزشها و هنجارهای دینی در تمام اجزا جامعه رسوخ کرده و همواره آنها را متأثر میسازد. افراد به عنوان چهره فعال جامعه از این تأثیر مستثنی نیستند مطالعات نشان میدهد که بین افراد دارای تعهد دینی بالا و پایین در رفتار سیاسی تفاوت وجود دارد به این معنی که مجموعه نهاد دین همواره کسانی را که وابستگی دینی بالاتری دارند بیشتر متأثر کرده و این تأثیر رفتار سیاسی فرد را نیز شامل میشود به طور کلی میزان التزام دینی همواره می تواند یکی از عوامل تأثیر گذار بر شیوه جامعه پذیری سیاسی فرد در نظر گرفته شود

۱-۲. نظریه دووس از مؤسسات جامعه پذیری سیاسی

طبقه بندی دووس از مؤسسات جامعه پذیری اجتماعی از نظر فراگیری و تحلیل بسیار جامع تر از طبقه بندیهای پیشین است که به اختصار بیان گردید. او در این طبقه بندی از ۵ نوع مؤسسات به شرح ذیل یاد مینماید. ساختار سیاسی رسمی در اینجا « دووس متوجه ساختارهای رسمی حکومت است که نقشی اساسی در فرایند جامعه پذیری سیاسی و ارائه ی توجیهات سیاسی برای شهروندان در جهت بیان اهمیت نظام سیاسی ایفا می نمایند. از مهم ترین مؤسسات رسمی که به فرایند جامعه پذیری سیاسی می پردازند مدارس عام منسوب به حکومت، دانشگاهها و مراکز آموزشی است که به ارائه ی شیوه های مطالعاتی معینی از طبیعت جامعه و نظام سیاسی و مکتب سیاسی عام آن

می‌پردازند. ضمن آنکه این مؤسسات تبلیغات در سطح محلی و فراتر از آن را انجام داده و در ارتباطات مختلف جمعی نقش آفرین هستند. (Bullis, 2003: 28). ساختار سیاسی غیر رسمی مراد از آن ساختار سیاسی ای است که سرشت رسمی حکومتی نداشته باشد مانند «احزاب سیاسی» و «وسایل ارتباط جمعی جوامع مردمسالار و «گروه-های فشار سیاسی». اگر چه بخش بزرگی از جامعه‌پذیری سیاسی به شکل بالفعل از طریق تاثیر نقش والدین و افراد خانواده شکل می‌گیرد اما این مؤسسات نیز دارای تاثیر عمیقی بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشند.

فعالتهای فاقد ساختار (بی ساخت): جامعه‌پذیری سیاسی تنها متکی بر ساختار رسمی یا غیر رسمی نبوده و از طریق وسایل دیگری نیز صورت می‌پذیرد که از آن جمله مشارکت افراد یا گروهها در تظاهرات خودانگیخته و جماعت غوغا طلب و آشوب‌ها - خاصه سرشت سیاسی آن است فرد با مشارکت در آنها بسیاری از - افکار آراء و مکاتب سیاسی گروهی را که بدان وارد شده اخذ می‌نماید یا هنگامی که تنها مشاهده گر چنین جماعتی است از اندیشه و نظرات و مکاتب سیاسی شان پرسیده و ممکن است که آن را مورد رد یا پذیرش قرار دهد (راش، ۱۳۷۷ و قوام، ۱۳۶۹).

رویدادها: شکی نیست که رویدادها به عنوان یکی از وسایل جامعه‌پذیری سیاسی محسوب می‌گردند که این امر در وقایع تظاهرات، آشوب‌ها در جنبه‌های ساختاری و غیر ساختاری - دیده می‌شود. بعنوان مثال جنبش دانشجویی دهه ی ۶۰ فرانسه نقش مهمی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و ظهور جنبشهای تندروی کارگری و اغتشاشات اتحادیه ای - در حمایت از دانشجویان - داشت که این امر به اشکال مختلفی در جهان بکار میرود نمونه‌های بسیاری از فرایند جامعه‌پذیری از طریق وقایع یا اخباری که به ترور سیاسی توسط یک گروه یا اصلاح انتخابات، رشوه و یا فساد سیاسی در تایید یا رد نظام سیاسی می‌پردازند، دیده شده است (کمالی، ۱۳۷۷).

افراد بخش بزرگی از فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به واسطه ی افراد نظیر، والدین، همسر دوستان، دشمنان همدرسان و همکاران و غیره منتقل می‌گردد (Shipman, 1995) از این تعاریف معلوم میشود که جامعه‌پذیری در مفهوم عام آن دلالت بر فرایندی دارد که به انتقال و کسب ارزشها، نقشها و رفتارهای اجتماعی منجر می‌گردد اما مفهوم



جامعه پذیری، سیاسی، مربوط به بخشی از مظاهر جامعه پذیری گردیده و از این رو با تاکید بر بخش سیاسی مفهومی مشخص تر و محدود تر یافته است بنابراین در یک جمع بندی کوتاه میتوان گفت که عوامل زیادی بر جامعه پذیری سیاسی تاثیر گذار میباشند که ما در این تحقیق صرفاً بدنبال بررسی تاثیر گذاری نهادهای سیاسی و دانشگاهی و همچنین رخدادهای اقتصادی جامعه بر فرایند جامعه پذیری سیاسی دانشجویان می باشیم. اینک مدل مفهومی تحقیق را در زیر ارائه می کنیم.

۲. پیشینه تحقیق

آذریان و همکاران (۱۴۰۰)، بررسی عوامل موثر بر جامعه پذیری سیاسی با تاکید بر سرمایه اجتماعی و سواد رسانه ای جوانان شهر اهواز پرداختند. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از نظر شیوه گردآوری داده ها، توصیفی پیمایشی و بر اساس رویکرد، آمیخته است. جامعه آماری در بخش کیفی، خبرگان حوزه جامعه شناسی و رسانه را شامل می شود. که در خصوص موضوع پژوهش، تجربه و آگاهی لازم داشته اند. در بخش کمی نیز جامعه آماری، تمامی ساکنان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر اهواز را دربرمی گیرد. که مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آنها ۱۹۵۸۳۲ نفر بوده است. تعداد نمونه باتوجه به فرمول کوکران ۳۸۳ نفر در نظر گرفته شده و روش نمونه گیری در بخش کمی به صورت خوشه ای چندمرحله ای بوده است. به منظور بررسی داده های بخش کیفی، از کدگذاری باز و محوری و در بخش کمی، از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری نشان می دهد که سرمایه اجتماعی به میزان ۴۹ درصد و سواد رسانه ای به میزان ۳۳ درصد بر جامعه پذیری سیاسی جوانان شهر اهواز تاثیر می گذارد. به این ترتیب، می توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی و سواد رسانه ای از جمله ملزومات توسعه جامعه پذیری به ویژه جامعه پذیری، سیاسی در قشر جوان به شمار می رود و زمینه را برای مشارکت سیاسی و بهبود رفتارهای اجتماعی فراهم می آورند.

مسیبی و همکاران (۱۴۰۱)، طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی به منظور جامعه پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی (مورد مطالعه: دانش آموزان رشته فنی و حرفه ای) پرداختند. روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب نوع داده، آمیخته

(کیفی-کمی) از نوع اکتشافی؛ برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی بود. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل نخبگان سازمانی و دانشگاهی بودند و برای تعیین نمونه، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده شد. گروه دوم از جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان رشته فنی و حرفه‌ای در شهر تهران به تعداد ۹۷۰ نفر بودند که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۲۷۵ دانش‌آموز به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش در بخش کیفی از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی و پایایی ابزارها مورد تایید قرار گرفت. در بخش کمی با توجه به سوال‌های پژوهش از روش‌های کدگذاری نظری، همبستگی پیرسون، و آزمون تی تک نمونه‌ای بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد هدف، محتوا و ارزشیابی به عنوان ابعاد برنامه درسی جامعه‌پذیری سیاسی شناسایی شدند. محمدزاده و همکاران (۱۴۰۱)، تبیین رابطه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل) پرداختند.

دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که هرچه جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد، مشارکت سیاسی کم شهروندان کاهش و مشارکت زیاد شهروندان روند افزایشی را نشان می‌دهد و جامعه‌پذیری سیاسی از ۷/۲ به ۲۶/۹ و سرمایه اجتماعی از ۱۳/۴ در حد کم به ۲۳ درصد در حد زیاد افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با $r=0/195$ و $sig=0/000$ و بین جامعه‌پذیری سیاسی با مشارکت سیاسی نیز همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با $r=0/344$ و $sig=0/000$ مورد تایید قرار گرفته و رابطه معناداری وجود دارد. از منظر مطالعه تطبیقی، یافته‌های پژوهش بین دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل نشان می‌دهد که شهروندان شهرستان آران و بیدگل از مشارکت سیاسی بالاتری برخوردارند. درویش‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، چگونگی نقش مدرسه در جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش



نشان می دهد که فضای کلاس درسی که بحث آزاد و مشارکت را تقویت می کند، با سطح بالای آگاهی دانش آموزان و حمایت بیشتر آنان از ارزشهای دموکراتیک ارتباط مستقیم دارد، در حالی که تاکید صرف بر حفظ مطالب درسی تاثیری معکوس دارد. در واقع چنین استنتاج می شود که مدرسه عامل بسیار مهمی برای آموزش شهروندی است و یکی از اهداف بلندمدت اصلاحات آموزشی این است که کلاس درس محلی برای آموزش فعالانه دانش آموزان باشد، نه دریافت منفعلانه اطلاعات.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش آمیخته است. نوع تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر پارادایمی، ترکیبی-اکتشافی می باشد. این تحقیق در دو مرحله به انجام رسیده است بخش کیفی شناخت عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران می باشد، بخش کمی تعیین و وضعیت سنجی مولفه های شناسایی شده می باشد. فاز اول در پاسخ به سؤالات کیفی پژوهش می باشد که مربوط به شناسایی شاخص ها و عوامل موثر در عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان شهرستان گچساران و تبیین مدل مربوطه می باشد و برای رسیدن به این هدف از روش پژوهش کیفی استفاده شده است یکی از انواع مختلف راهبردهای کیفی پژوهش، روش تحلیل مضمون است که به واسطه برخی ویژگی های خاص آن در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

۴. یافته های تحقیق

در بخش کیفی پژوهش، به منظور پوشش دادن به ابعاد مختلف مسأله، تحقیق و شناسایی کلیه عوامل به منظور طراحی نهایی مدل، به بررسی ابعاد اصلی پرداخته ایم. در بخش کیفی پژوهش حاضر، پس از انجام مصاحبه های عمیقی با قیدهای؛ داشتن تخصص و تجربه کافی، آگاهی عمیق در موضوع پژوهش و وسعت نظر در ارتباط با زمینه پژوهش که دارای سوابق ارزنده علمی، تجربی یا پژوهشی بودند، به عنوان اعضای پنل خبرگان، اطلاعات گردآوری شده طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری انتخابی تحلیل شده و در نهایت نتایج حاصل از پژوهش کیفی

ضمن ترکیب با نتایج حاصل از ادبیات پژوهش، در قالب بخش نخست الگوی مفهومی پژوهش جمع‌بندی گردید.

مصاحبه‌شوندگان مطابق با چارچوب پرسش‌های باز مصاحبه عمیق پژوهش، پاسخ‌هایی را ارائه دادند که در هر جلسه با توجه به تخصص و تجربه فرد پاسخگو، این پاسخ‌ها جمع‌بندی شده‌اند. بدین شکل که پاسخ‌های ارائه شده براساس نوع و محتوایشان در یکی از مقوله‌های پژوهش، دسته‌بندی شده و به عنوان ملاک ارزشیابی آن مقوله تعریف و تعیین شدند و در نهایت با توجه به محتوای پاسخ‌های ارائه شده، هر یک از مفاهیم زیرمجموعه در مقوله مرتبط با خود قرار گرفتند. قابل ذکر است در فرآیند تحقیق کیفی، براساس نمونه‌گیری انجام شده و طی مصاحبه‌های عمیق به جمع‌آوری نظرات پرداخته شده است. در این روش با استفاده از روش گلوله برفی افراد انتخاب و در نهایت بعد از رسیدن به نقطه اشباع نمونه‌گیری متوقف شده است. کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد می‌شوند، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آنگاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. در این فرآیند، داده‌ها تجزیه و مفهوم‌سازی شده و در نهایت به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند، فرآیند کدگذاری را به سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تقسیم کرده‌اند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱) در یک نگاه کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که فرآیند تحلیل از کدگذاری باز آغاز می‌شود و در حالت ایده‌آل به کدگذاری انتخابی ختم می‌شود.

کدگذاری اولیه متن بعد از خواندن مکرر و دقیق مواد آن انجام می‌شود. واحدهای معنی‌دار معرفی، توضیح و نامگذاری می‌شوند. این واحدها ممکن است، لغات، عبارات یا قطعات بزرگتر متن باشند، این طبقات به عنوان مقوله‌ها نامیده می‌شوند. بعد از طبقه‌بندی، واحدهای معنی‌دار متن به عنوان مقوله‌ها سازماندهی می‌شوند. در مرحله کدگذاری باز، کلیه مصاحبه‌های انجام شده با مدیران و متخصصان، به تفکیک پیاده‌سازی شده و تمامی جملات مرتبط با موضوعات اساسی پژوهش، به طور کامل ثبت و کدگذاری شده است. سپس محقق به تفسیر هر یک از این نکات کلیدی و کدگذاری این نکات پرداخته است. قابل ذکر است که به منظور اطمینان از کدگذاری درست و مناسب نکات کلیدی نظرات متخصصان، پس از کدگذاری باز توسط محقق اصلی، از یک نفر

محقق دیگر هم کمک گرفته شده است تا براساس نکات به کدگذاری مجدد کلیه نظرات براساس دیدگاه تخصص خود پردازد. در نهایت، کد نهایی برای هر یک از نکات کلیدی انتخاب شده و این کدها شماره گذاری شده اند. در جدول ذیل، هر یک از مصاحبه ها و کدگذاری های باز آنها به تفکیک ارائه شده است. در جداول مربوطه در هر سطر یک نکته کلیدی مستخرج از مصاحبه ذکر شده است و برای آن یک نشانگر تعیین شده که شامل دو بخش است که بخش اول بیانگر شماره نکته کلیدی و بخش دوم نشان دهنده شماره مصاحبه است.

مفاهیم
وضعیت مالی و اقتصادی خانواده تأثیر قابل توجهی بر دسترسی جوانان به آموزش، فرصت های شغلی و حتی مشارکت در فعالیتهای سیاسی دارد.
نابرابری درآمد و دارایی در جامعه می تواند منجر به احساس بی عدالتی و نارضایتی در میان جوانان شود، که این امر بر نگرش ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر می گذارد.
دسترسی به فرصت های شغلی مناسب و با ثبات اقتصادی برای جوانان می تواند تأثیر مثبتی بر حس مسئولیت پذیری و مشارکت سیاسی آنها داشته باشد.
تحصیلات و دسترسی به آموزش کیفیت بالا، که تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، می تواند بر سطح آگاهی سیاسی و مشارکت جوانان تأثیر بگذارد.
نرخ بالای بیکاری در میان جوانان می تواند منجر به نارضایتی اجتماعی و سیاسی شود و بر جهت گیری های سیاسی آنها تأثیر بگذارد.
جوانانی که احساس امنیت شغلی دارند، ممکن است نگرش مثبت تری نسبت به نظام سیاسی داشته باشند و به طور فعال تری در فعالیتهای سیاسی مشارکت کنند.
سرمایه گذاری دولت ها در زیرساخت های اساسی مانند حمل و نقل، بهداشت، و آموزش می تواند به بهبود شرایط زندگی جوانان و تقویت مشارکت سیاسی آنها منجر شود.
سیاست های اقتصادی دولت ها، مانند مالیات، یارانه ها، و برنامه های حمایتی، می توانند بر احساس عدالت و رفاه در میان جوانان تأثیر بگذارند و به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
سطح توسعه اقتصادی کشور و پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیک می توانند بر فرصت های موجود برای جوانان و در نتیجه بر نگرش ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
فقر و محرومیت اقتصادی می توانند منجر به احساس ناامیدی و بی اعتمادی به نظام سیاسی شوند، که این امور می توانند بر میزان مشارکت سیاسی و نگرش های جوانان تأثیر منفی بگذارند.
خانواده اولین و مهم ترین نهاد برای جامعه پذیری است. باورها، ارزش ها، و نگرش های سیاسی والدین می تواند تأثیر قابل توجهی بر جوانان داشته باشد.
مدارس و مؤسسات آموزشی نقش کلیدی در ارائه دانش سیاسی و تشویق به مشارکت سیاسی دارند. برنامه های درسی، معلمان، و فعالیتهای آموزشی می توانند به شکل گیری هویت سیاسی جوانان کمک کنند.

گروه‌های همسالان و دوستان می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی جوانان تأثیر بگذارند، از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات و همچنین فشار گروهی.
رسانه‌های جمعی (تلویزیون، روزنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و...) و رسانه‌های اجتماعی اطلاعات زیادی درباره مسائل سیاسی ارائه می‌دهند و می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
دانشگاه‌ها فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل سیاسی فراهم می‌آورند و می‌توانند به تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی جوانان کمک کنند.
مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های داوطلبانه، و انجمن‌های محلی می‌تواند به جوانان فرصت‌هایی برای تجربه مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقیم بدهد.
فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی می‌توانند جوانان را به سمت مشارکت سیاسی سوق دهند و بر نگرش‌های آنها تأثیر بگذارند.
جنبش‌های دانشجویی، اعتراضات اجتماعی و تحولات سیاسی کلان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری هویت و مشارکت سیاسی جوانان داشته باشند.
عوامل محیط زیستی (تغییرات آب و هوایی، مدیریت پسماند، بحران آب، آلودگی هوا، آتش سوزی جنگل‌ها و ...) به طور فزاینده‌ای در جامعه‌پذیری سیاسی افراد، به ویژه جوانان، نقش دارند. این عوامل نه تنها بر سلامت و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند بر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز اثر بگذارند.
فرهنگ عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد، از جمله جوانان، تأثیر می‌گذارد.
تجربیات مشترک ناشی از رویدادهای بزرگ سیاسی یا اجتماعی، مانند انتخابات، تظاهرات، یا بحران‌های اقتصادی، می‌توانند بر هویت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
دسترسی به فرصت‌های مشارکت سیاسی، مانند رأی دادن، شرکت در کمپین‌های سیاسی، یا حضور در مناظرات، برای تشویق جوانان به فعالیت سیاسی ضروری است.
قوانین و سیاست‌هایی که به جوانان اجازه می‌دهند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند، مانند حق رأی در سن پایین‌تر، می‌توانند بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
آگاهی سیاسی به معنای دانش و درک افراد از ساختارها، فرآیندها، و مسائل سیاسی است و نقش کلیدی در جامعه‌پذیری سیاسی دارد.
ارزش‌ها و باورهایی که در خانواده ترویج می‌شوند، می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و فرهنگ مدرسه می‌توانند بر نحوه درک مسائل سیاسی و اجتماعی توسط جوانان تأثیر بگذارند.
آثار ادبی و هنری که جوانان با آنها در تماس هستند، می‌توانند به عنوان ابزاری برای برانگیختن تفکر انتقادی و آگاهی سیاسی عمل کنند.
آموزه‌ها و ارزش‌های دینی می‌توانند بر اولویت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی جوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشند.
سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت سیاسی و اجتماعی جوانان داشته باشند.

باشند.
فرهنگ‌های حاکم بر محیط‌های کاری و سازمانی می‌توانند بر دیدگاه‌های سیاسی جوانان کارمند یا دانشجو تأثیر بگذارند.
احساس تعلق به یک ملت یا قومیت خاص می‌تواند بر اولویت‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارد.
دسترسی به فناوری و استفاده از آن در ارتباطات و دسترسی به اطلاعات می‌تواند بر نحوه مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان تأثیر بگذارد.
مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند تجربیات معناداری برای جوانان فراهم آورده و به شکل‌گیری دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی آنها کمک کند.

در واقع کدگذاری محوری (سطح دوم کدگذاری) نامی است که به عملیات ثانوی در تحلیل مضمون می‌شود که در آن مقولات اصلی کدگذاری باز داده‌ها تکوین یافته‌اند و با یکدیگر مرتبط شده‌اند. اصطلاح کدگذاری محوری با هدف مرتبط کردن مقوله‌هایی که در کدگذاری باز تعریف شده‌اند، مورد استفاده قرار گرفت. اگر در کدگذاری باز داده‌ها را بشکنیم و از هم جدا کنیم، یا به منظور نمایش داده‌ها و مقوله‌های نظری داده‌ها را باز کنیم، کدگذاری محوری دوباره مقوله‌های قبلی را با روش‌های متفاوت مفهومی در کنار هم قرار می‌دهد. بنابراین در کدگذاری محوری بین مقوله‌های اساسی که در کدگذاری باز گسترش یافته‌اند، ارتباطات درونی برقرار می‌شود (ابوالمعالی، ۱۳۹۱) در این مرحله کلیه کدهای باز مستخرج از مرحله اول، براساس ارتباط با مفاهیم اصلی پژوهش در قالب محورهای اصلی جمع‌بندی شده‌اند. خروجی این مرحله، کدهای محوری، کدهای متناظر با آنها و تعداد تکرار آنها می‌باشد. در جداول مربوطه در هر ردیف یک مفهوم درج شده است که در واقع ترکیبی از چند کد است. در ستون بعدی کدهای متناظر با آن مفهوم و میزان تکرار آنها در مصاحبه‌های مختلف ذکر شده است.

مقوله	مفاهیم
وضعیت اقتصادی خانواده	وضعیت مالی و اقتصادی خانواده تأثیر قابل توجهی بر دسترسی جوانان به آموزش، فرصت‌های شغلی و حتی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارد.
نابرابری اقتصادی	نابرابری درآمد و دارایی در جامعه می‌تواند منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی در میان جوانان شود، که این امر بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد.
فرصت‌های شغلی	دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و با ثبات اقتصادی برای جوانان می‌تواند تأثیر مثبتی بر حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی آنها

سطح تحصیلات	داشته باشد.
بیکاری	تحصیلات و دسترسی به آموزش کیفیت بالا، که تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، می‌تواند بر سطح آگاهی سیاسی و مشارکت جوانان تأثیر بگذارد.
امنیت شغلی	نرخ بالای بیکاری در میان جوانان می‌تواند منجر به نارضایتی اجتماعی و سیاسی شود و بر جهت‌گیری‌های سیاسی آنها تأثیر بگذارد.
بودجه‌بندی عمومی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها	جوانانی که احساس امنیت شغلی دارند، ممکن است نگرش مثبت‌تری نسبت به نظام سیاسی داشته باشند و به طور فعال‌تری در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند.
سیاست‌های اقتصادی دولت	سرمایه‌گذاری دولت‌ها در زیرساخت‌های اساسی مانند حمل و نقل، بهداشت، و آموزش می‌تواند به بهبود شرایط زندگی جوانان و تقویت مشارکت سیاسی آنها منجر شود.
توسعه اقتصادی	سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، مانند مالیات، یارانه‌ها، و برنامه‌های حمایتی، می‌توانند بر احساس عدالت و رفاه در میان جوانان تأثیر بگذارند و به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
فقر و محرومیت اقتصادی	سطح توسعه اقتصادی کشور و پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیک می‌توانند بر فرصت‌های موجود برای جوانان و در نتیجه بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.
خانواده	فقر و محرومیت اقتصادی می‌تواند منجر به احساس ناامیدی و بی‌اعتمادی به نظام سیاسی شوند، که این امور می‌توانند بر میزان مشارکت سیاسی و نگرش‌های سیاسی جوانان تأثیر منفی بگذارند.
آموزش و مدارس	خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد برای جامعه‌پذیری است. باورها، ارزش‌ها، و نگرش‌های سیاسی والدین می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر جوانان داشته باشد.
دوستان و همسالان	مدارس و مؤسسات آموزشی نقش کلیدی در ارائه دانش سیاسی و تشویق به مشارکت سیاسی دارند. برنامه‌های درسی، معلمان، و فعالیت‌های آموزشی می‌توانند به شکل‌گیری هویت سیاسی جوانان کمک کنند.
رسانه‌ها	گروه‌های همسالان و دوستان می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی جوانان تأثیر بگذارند، از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات و همچنین فشار گروهی.
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	رسانه‌های جمعی (تلویزیون، روزنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و...) و رسانه‌های اجتماعی اطلاعات زیادی درباره مسائل سیاسی ارائه می‌دهند و می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.
	دانشگاه‌ها فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل سیاسی فراهم می‌آورند و می‌توانند به تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی جوانان کمک کنند.

کنند.	
مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های داوطلبانه، و انجمن‌های محلی می‌تواند به جوانان فرصت‌هایی برای تجربه مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقیم بدهد.	سازمان‌های مدنی و گروه‌های داوطلبانه
فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی می‌توانند جوانان را به سمت مشارکت سیاسی سوق دهند و بر نگرش‌های آنها تأثیر بگذارند.	سازمان‌ها و احزاب سیاسی
جنبش‌های دانشجویی، اعتراضات اجتماعی و تحولات سیاسی کلان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری هویت و مشارکت سیاسی جوانان داشته باشند.	جنبش‌ها و تحولات سیاسی
عوامل محیط زیستی (تغییرات آب و هوایی، مدیریت پسماند، بحران آب، آلودگی هوا، آتش سوزی جنگل‌ها و ...) به طور فزاینده‌ای در جامعه‌پذیری سیاسی افراد، به ویژه جوانان، نقش دارند. این عوامل نه تنها بر سلامت و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند بر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز اثر بگذارند.	محیط زیست
فرهنگ عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد، از جمله جوانان، تأثیر می‌گذارد.	فرهنگ و ارزش‌های جامعه
تجربیات مشترک ناشی از رویدادهای بزرگ سیاسی یا اجتماعی، مانند انتخابات، تظاهرات، یا بحران‌های اقتصادی، می‌توانند بر هویت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.	رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی
دسترسی به فرصت‌های مشارکت سیاسی، مانند رأی دادن، شرکت در کمپین‌های سیاسی، یا حضور در مناظرات، برای تشویق جوانان به فعالیت سیاسی ضروری است.	فرصت‌های مشارکت سیاسی
قوانین و سیاست‌هایی که به جوانان اجازه می‌دهند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند، مانند حق رأی در سن پایین‌تر، می‌توانند بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.	قوانین و سیاست‌های دولتی
آگاهی سیاسی به معنای دانش و درک افراد از ساختارها، فرآیندها، و مسائل سیاسی است و نقش کلیدی در جامعه‌پذیری سیاسی دارد.	آگاهی سیاسی
ارزش‌ها و باورهایی که در خانواده ترویج می‌شوند، می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.	ارزش‌های خانوادگی
محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و فرهنگ مدرسه می‌توانند بر نحوه درک مسائل سیاسی و اجتماعی توسط جوانان تأثیر بگذارند.	سیستم آموزشی
آثار ادبی و هنری که جوانان با آنها در تماس هستند، می‌توانند به عنوان ابزاری برای برانگیختن تفکر انتقادی و آگاهی سیاسی عمل کنند.	ادبیات و هنر
آموزه‌ها و ارزش‌های دینی می‌توانند بر اولویت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی	دین و مذهب

سنت‌ها و آیین‌ها	جوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشند.
فرهنگ سازمانی و محیط کار	سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت سیاسی و اجتماعی جوانان داشته باشند.
ارزش‌های ملی و هویت قومی	فرهنگ‌های حاکم بر محیط‌های کاری و سازمانی می‌توانند بر دیدگاه‌های سیاسی جوانان کارمند یا دانشجو تأثیر بگذارند.
فناوری و تکنولوژی	احساس تعلق به یک ملت یا قومیت خاص می‌تواند بر اولویت‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارد.
جنبش‌های اجتماعی و سیاسی	دسترسی به فناوری و استفاده از آن در ارتباطات و دسترسی به اطلاعات می‌تواند بر نحوه مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان تأثیر بگذارد.
	مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند تجربیات معناداری برای جوانان فراهم آورده و به شکل‌گیری دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی آنها کمک کند.

سومین عملیات در تحلیل کدگذاری، کدگذاری انتخابی است. اصطلاح «انتخابی» به این علت برای این مرحله بکار می‌رود که تحلیلگر به وضوح یک جنبه مرکزی از داده‌ها را به عنوان: مقوله هسته‌ای، انتخاب می‌کند و روی آن متمرکز می‌شود. بنابراین در کدگذاری انتخابی، همان تکنیک‌هایی را که در کدگذاری محوری و باز به کار می‌بریم، استفاده می‌کنیم (اما در سطح بالاتری از انتزاع). این تمرکز حالا روی یافتن یک مفهوم بالاتر است، یک مقوله مفهومی مرکزی که در سطح دوم انتزاع قرار دارد (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۴۱۰) با توجه به توضیحات فوق در این مرحله کدهای محوری مرحله قبل گروه‌بندی شد و جدول نهایی متغیرها و شاخص‌های مرتبط به هریک از آنها از دید متخصصان تهیه گردید.

نوع مقوله	مقوله	مفاهیم
عوامل اقتصادی	وضعیت اقتصادی خانواده	وضعیت مالی و اقتصادی خانواده تأثیر قابل توجهی بر دسترسی جوانان به آموزش، فرصت‌های شغلی و حتی مشارکت در فعالیتهای سیاسی دارد.
	نابرابری اقتصادی	نابرابری درآمد و دارایی در جامعه می‌تواند منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی در میان جوانان شود، که این امر بر نگرش‌ها و مشارکت سیاسی آنها تأثیر می‌گذارد.
	فرصت‌های شغلی	دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و با ثبات اقتصادی برای جوانان می‌تواند تأثیر مثبتی بر حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت سیاسی آنها داشته باشد.



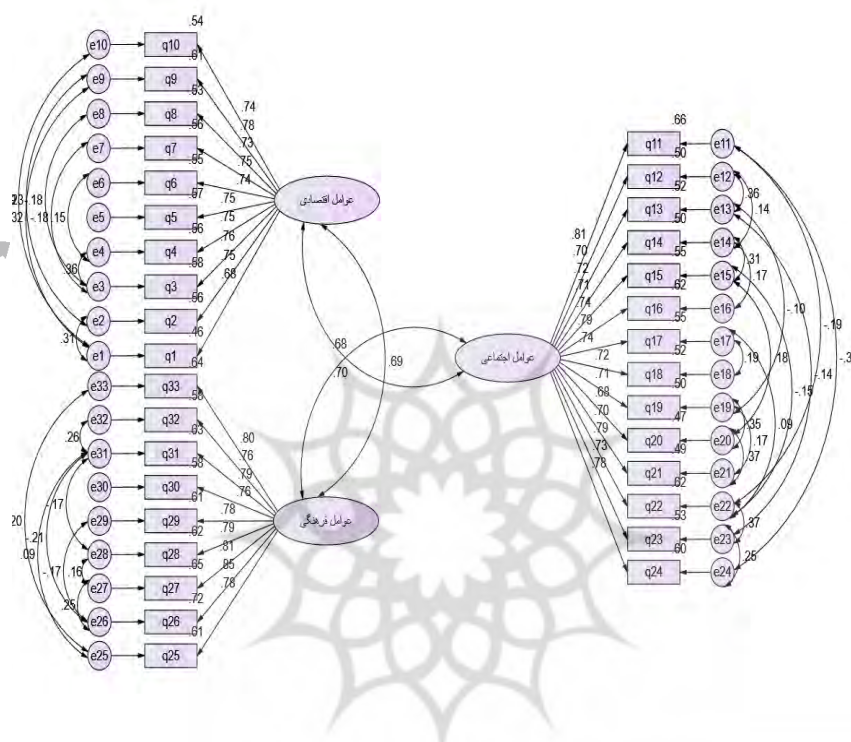
سطح تحصیلات	تحصیلات و دسترسی به آموزش کیفیت بالا، که تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، می‌تواند بر سطح آگاهی سیاسی و مشارکت جوانان تأثیر بگذارد.
	بیکاری
	امنیت شغلی
	بودجه‌بندی عمومی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها
	سیاست‌های اقتصادی دولت
	توسعه اقتصادی
عوامل اجتماعی	فقر و محرومیت اقتصادی
	خانواده
	آموزش و مدارس
	دوستان و همسالان
	رسانه‌ها

اجتماعی و...) و رسانه‌های اجتماعی اطلاعات زیادی درباره مسائل سیاسی ارائه می‌دهند و می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.		
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	دانشگاه‌ها فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل سیاسی فراهم می‌آورند و می‌توانند به تقویت مهارت‌های تحلیلی و انتقادی جوانان کمک کنند.	
سازمان‌های مدنی و گروه‌های داوطلبانه	مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های داوطلبانه، و انجمن‌های محلی می‌تواند به جوانان فرصت‌هایی برای تجربه مشارکت سیاسی و اجتماعی مستقیم بدهد.	
سازمان‌ها و احزاب سیاسی	فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی می‌توانند جوانان را به سمت مشارکت سیاسی سوق دهند و بر نگرش‌های آنها تأثیر بگذارند.	
جنبش‌ها و تحولات سیاسی	جنبش‌های دانشجویی، اعتراضات اجتماعی و تحولات سیاسی کلان می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری هویت و مشارکت سیاسی جوانان داشته باشند.	
محیط زیست	عوامل محیط زیستی (تغییرات آب و هوایی، مدیریت پسماند، بحران آب، آلودگی هوا، آتش‌سوزی جنگل‌ها و ...) به طور فزاینده‌ای در جامعه‌پذیری سیاسی افراد، به ویژه جوانان، نقش دارند. این عوامل نه تنها بر سلامت و کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند بلکه می‌توانند بر دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، و مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز اثر بگذارند.	
فرهنگ و ارزش‌های جامعه	فرهنگ عمومی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد، از جمله جوانان، تأثیر می‌گذارد.	
رویدادهای اجتماعی و سیاسی مهم	تجربیات مشترک ناشی از رویدادهای بزرگ سیاسی یا اجتماعی، مانند انتخابات، تظاهرات، یا بحران‌های اقتصادی، می‌توانند بر هویت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.	
فرصت‌های مشارکت سیاسی	دسترسی به فرصت‌های مشارکت سیاسی، مانند رأی دادن، شرکت در کمپین‌های سیاسی، یا حضور در مناظرات، برای تشویق جوانان به فعالیت سیاسی ضروری است.	
قوانین و سیاست‌های دولتی	قوانین و سیاست‌هایی که به جوانان اجازه می‌دهند در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند، مانند حق رأی در	

سن پایین‌تر، می‌توانند بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر بگذارند.		
آگاهی سیاسی	آگاهی سیاسی به معنای دانش و درک افراد از ساختارها، فرآیندها، و مسائل سیاسی است و نقش کلیدی در جامعه‌پذیری سیاسی دارد.	
ارزش‌های خانوادگی	ارزش‌ها و باورهایی که در خانواده ترویج می‌شوند، می‌توانند بر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارند.	
سیستم آموزشی	محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و فرهنگ مدرسه می‌توانند بر نحوه درک مسائل سیاسی و اجتماعی توسط جوانان تأثیر بگذارند.	عوامل فرهنگی
ادبیات و هنر	آثار ادبی و هنری که جوانان با آنها در تماس هستند، می‌توانند به عنوان ابزاری برای برانگیختن تفکر انتقادی و آگاهی سیاسی عمل کنند.	
دین و مذهب	آموزه‌ها و ارزش‌های دینی می‌توانند بر اولویت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی جوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشند.	
سنت‌ها و آیین‌ها	سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت سیاسی و اجتماعی جوانان داشته باشند.	
فرهنگ سازمانی و محیط کار	فرهنگ‌های حاکم بر محیط‌های کاری و سازمانی می‌توانند بر دیدگاه‌های سیاسی جوانان کارمند یا دانشجو تأثیر بگذارند.	
ارزش‌های ملی و هویت قومی	احساس تعلق به یک ملت یا قومیت خاص می‌تواند بر اولویت‌ها و مشارکت سیاسی جوانان تأثیر بگذارد.	
فناوری و تکنولوژی	دسترسی به فناوری و استفاده از آن در ارتباطات و دسترسی به اطلاعات می‌تواند بر نحوه مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان تأثیر بگذارد.	
جنبش‌های اجتماعی و سیاسی	مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند تجربیات معناداری برای جوانان فراهم آورده و به شکل‌گیری دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی آنها کمک کند.	

در این قسمت با تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری به شناسایی عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان پرداخته شده این تکنیک شامل دو

مرحله برازش مدل اندازه گیری و مدل ساختاری می باشد. شکل زیر مدل اندازه گیری عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان را به تصویر کشیده است



شکل ۱- مدل اندازه گیری عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری

سیاسی جوانان

بار عاملی تمامی شاخص های مربوط به سازه عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان مناسب و بیشتر از ۰.۵ است. عدد معناداری یا آماره T مربوط به تمامی گویه ها از ۱/۹۶ بزرگتر و P مقدار آنها کمتر از ۰.۰۰۱ بوده بنابراین این نتیجه حاصل می شود که تمامی شاخص های شناسایی شده برای عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان تاثیر قابل توجه و معنی داری در اندازه گیری آن دارند.

جدول ۱- بار عاملی شاخص های عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان و آزمون معنی داری آنها

نوع مقوله	شاخص	نماد	بار عاملی	ضریب خطای معیار	آماره T	P مقدار
عوامل اقتصادی	وضعیت اقتصادی خانواده	q1	۰.۶۸۱	۱		
	نابرابری اقتصادی	q2	۰.۷۴۶	۰.۹۶۳	۱۲.۰۱۱	<۰.۰۰۱
	فرصت های شغلی	q3	۰.۷۶۲	۱.۱۲۱	۱۰.۱۵	<۰.۰۰۱
	سطح تحصیلات	q4	۰.۷۴۸	۰.۹۹۴	۱۰.۰۱۷	<۰.۰۰۱
	بیکاری	q5	۰.۷۵۵	۱.۰۶۷	۱۰.۱۳۵	<۰.۰۰۱
	امنیت شغلی	q6	۰.۷۴۱	۱.۰۹۱	۹.۹۷۵	<۰.۰۰۱
	بودجه بندی عمومی و سرمایه گذاری در زیرساخت ها	q7	۰.۷۴۸	۱.۰۸۱	۱۰.۰۱۷	<۰.۰۰۱
	سیاست های اقتصادی دولت	q8	۰.۷۳۳	۱.۰۱۳	۹.۸۰۷	<۰.۰۰۱
	توسعه اقتصادی	q9	۰.۷۸۳	۱.۱۶	۹.۱۸۷	<۰.۰۰۱
	فقر و محرومیت اقتصادی	q10	۰.۷۳۵	۱.۰۴۳	۱۱.۰۱	<۰.۰۰۱
	خانواده	q11	۰.۸۱۳	۱		

اجتماعی					
<۰.۰۰۱	۱۱.۴۳۱	۰.۰۷	۰.۷۹۸	۰.۷۰۴	q12 آموزش و مدارس
<۰.۰۰۱	۱۱.۸۱۸	۰.۰۷۳	۰.۸۶۶	۰.۷۲۳	q13 دوستان و همسالان
<۰.۰۰۱	۱۱.۵۴۷	۰.۰۷۳	۰.۸۳۸	۰.۷۱۱	q14 رسانه‌ها
<۰.۰۰۱	۱۲.۱۶۵	۰.۰۷	۰.۸۵۲	۰.۷۳۹	q15 دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی
<۰.۰۰۱	۱۳.۳۳	۰.۰۶۸	۰.۹۰۲	۰.۷۸۹	q16 سازمان‌های مدنی و گروه‌های داوطلبانه
<۰.۰۰۱	۱۲.۲۴۱	۰.۰۶۸	۰.۸۳۱	۰.۷۴۳	q17 سازمان‌ها و احزاب سیاسی
<۰.۰۰۱	۱۱.۷۲۶	۰.۰۷۲	۰.۸۴۵	۰.۷۱۸	q18 جنبش‌ها و تحولات سیاسی
<۰.۰۰۱	۱۱.۵۰۶	۰.۰۶۷	۰.۷۶۶	۰.۷۰۸	q19 محیط زیست
<۰.۰۰۱	۱۰.۹۸۳	۰.۰۷۵	۰.۸۲۷	۰.۶۸۳	q20 فرهنگ و ارزش‌های جامعه
<۰.۰۰۱	۱۱.۳۵	۰.۰۷۶	۰.۸۵۹	۰.۷	q21 رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی
<۰.۰۰۱	۱۲.۱۲۷	۰.۰۸	۰.۹۷	۰.۷۸۷	q22 فرصت‌های



مشارکت									
سیاسی									
قوانین و					q23				
سیاست‌های						۰.۷۲۸	۰.۸۵۱	۰.۰۷۲	۱۱.۸۷۶
دولتی									
آگاهی سیاسی					q24	۰.۷۷۷	۰.۹۰۲	۰.۰۷۹	۱۱.۳۸۴
ارزش‌های					q25	۰.۷۸۴	۱		
خانوادگی									
سیستم آموزشی					q26	۰.۸۵۱	۱.۰۵۵	۰.۰۷۷	۱۳.۷۸۱
ادبیات و هنر					q27	۰.۸۰۷	۰.۹۵	۰.۰۷۴	۱۲.۸۹۲
دین و مذهب					q28	۰.۷۹	۰.۹۹۲	۰.۰۷۸	۱۲.۶۳۳
سنت‌ها و					q29	۰.۷۸۳	۰.۹۲۶	۰.۰۷۴	۱۲.۴۴۲
آیین‌ها									
فرهنگ					q30	۰.۷۵۹	۰.۹۴۳	۰.۰۷۸	۱۲.۰۶۳
سازمانی و									
محیط کار									
ارزش‌های ملی					q31	۰.۷۹۴	۰.۹۶	۰.۰۷۲	۱۳.۲۷۳
و هویت قومی									
فناوری و					q32	۰.۷۵۹	۰.۸۸۴	۰.۰۷۳	۱۲.۰۳۹
تکنولوژی									
جنبش‌های					q33				
اجتماعی و						۰.۸۰۱	۱.۰۵۹	۰.۰۹	۱۱.۸۱۵
سیاسی									

نتایج ضریب همبستگی بین سازه‌های عوامل جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان گزارش شده است. بر اساس نتایج ارائه شده ضریب همبستگی بین

سه سازه مثبت و معنی دار بوده است ($P < 0.05$) و بیشترین همبستگی بین سازه عوامل اقتصادی و اجتماعی با ضریب همبستگی 0.705 و کمترین همبستگی بین سازه عوامل اجتماعی و فرهنگی با ضریب همبستگی 0.676 می باشد.

جدول ۲- ضریب همبستگی سازه‌های عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان و آزمون معنی داری آنها

ضریب همبستگی	خطای معیار	آماره T	P مقدار
عوامل اقتصادی <---> عوامل اجتماعی	0.705	0.063	6.964
عوامل اجتماعی <---> عوامل فرهنگی	0.676	0.064	6.864
عوامل اقتصادی <---> عوامل فرهنگی	0.692	0.058	6.44

معیار مهم دیگر که می بایست اعتبار آن در رابطه با سازه های مدل برقرار باشد، روایی واگرا است که میزان رابطه یک سازه با شاخص هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه ها را بررسی می کند. به طوریکه روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص های خود دارد تا با سازه های دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه ها) در مدل باشد) در ماتریس فورنل و لارکر، مشاهده می شود مقدار جذر AVE معیارها که در قطر اصلی وارد شده، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه ی زیرین و سمت راست قطر اصلی قرار گرفته بیشتر است. از این رو سازه های مدل از اعتبار روایی واگرا برخوردار است.

جدول ۳- ماتریس فورنل و لارکر عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه

پذیری سیاسی جوانان

عوامل اقتصادی عوامل اجتماعی عوامل فرهنگی		
عوامل اقتصادی	۰.۷۳۸	
عوامل اجتماعی	۰.۷۰۵	۰.۷۳۵
عوامل فرهنگی	۰.۶۹۲	۰.۶۷۶
		۰.۷۹۰

شاخص های نیکویی برازش مدل اندازه گیری عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیري سياسي جوانان که در جدول زیر گزارش شده است. جهت بهبود شاخص های نیکویی برازش مدل اصلاح شده و بین برخی شاخص ها همبستگی لحاظ شده است. معیار کای دو به درجه آزادی (۱.۷۳۷) کمتر از ۵، RMSEA (۰.۰۵۷) کمتر از ۰/۱ و شاخص های CFI (۰.۹۳۶)، GFI (۰.۹۲۵) و TLI (۰.۹۲۷) بیش از ۰/۹ و شاخص AGFI (۰.۸۷۷) بیش از ۰/۸ و مقدار قابل قبولی داشته اند. بنابراین شاخص های نیکویی برازش مدل اندازه گیری عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیري سياسي جوانان، نشان می دهد که مدل با داده های جمع آوری شده از نمونه آماری تحقیق برازش خوبی دارد، یعنی مدل عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیري سياسي جوانان به درستی بکار گرفته شده و بنابراین شاخص های عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیري سياسي جوانان مورد پذیرش می باشد و به درستی اتخاذ گردیده اند.

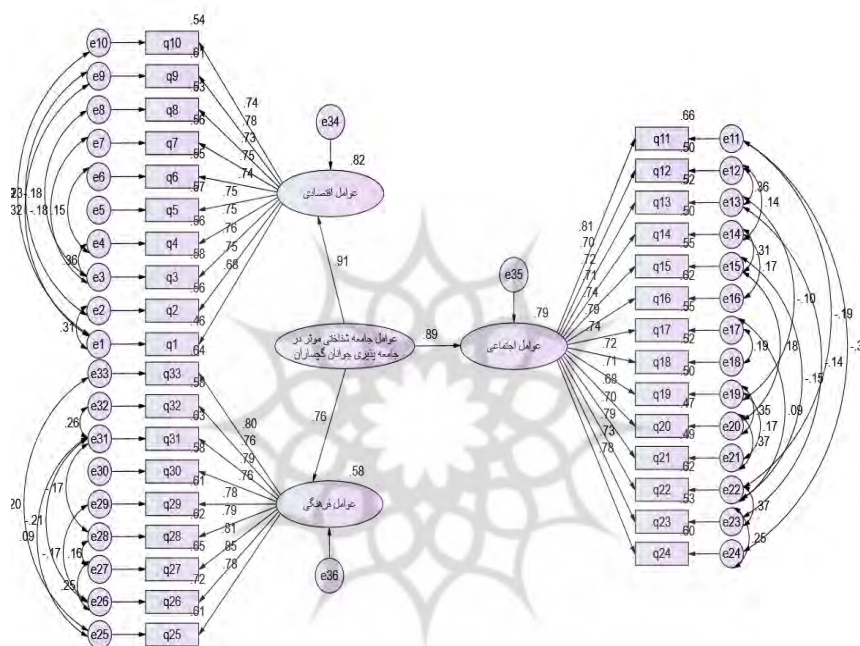
جدول ۴- شاخص های نیکویی برازش عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه

پذیری سیاسی جوانان

شاخص های نیکویی برازش	نماد	مقدار	برازش قابل قبول
کای دو به درجه آزادی	chi-square/df	۱.۷۳۷	کمتر از ۵
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰.۹۲۵	GFI > %90
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰.۸۷۷	AGFI > %80
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰.۹۳۶	CFI > %90

شاخص نرم نشده برازندگی	TLI	۰.۹۲۷	TLI > %90
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰.۰۵۷	10% > RMSEA

نتایج حاصل از برازش مدل معادلات ساختاری عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان در شکل زیر گزارش شده است.



شکل ۲- مدل ساختاری عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان

چنانچه کیفیت مدل معادلات ساختاری مناسب باشد با استفاده از آزمون معنی دار بودن ضریب مسیرهای برآورد شده مدل عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان مورد بررسی قرار می گیرد در جدول ۴-۲۰، شاخص های نیکویی برازش مدل عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان گزارش شده است.



جدول ۵- شاخص های نیکویی برازش عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان

شاخص های نیکویی برازش	نماد	مقدار	برازش قابل قبول
کای دو به درجه آزادی	chi-square/df	۱.۷۳۶	کمتر از ۵
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰.۹۲۵	GFI > %90
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰.۸۷۷	AGFI > %80
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰.۹۳۶	CFI > %90
شاخص نرم نشده برازندگی	TLI	۰.۹۲۷	TLI > %90
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰.۰۵۶	RMSEA > 10%

شاخص های کای دو به درجه آزادی برازش مناسب مدل و شاخص RMSEA ، CFI و TLI نیز برازش منطقی مدل را گزارش می کند. همچنین، شاخص GFI و AGFI در حد قابل قبول خود هستند و نتیجه می شود که از برازش مدل معادلات ساختاری عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان پذیرفته می شود. با توجه به مقادیر T و P-مقدار برآورد شده که در جدول ۴-۲۱ دیده می شود می توان در مورد پذیرش یا عدم پذیرش معناداری روابط بین سازه ها تصمیم گیری کرد. چنانچه مقادیر مشاهده شده آماره T در آزمون معنی داری رابطه بین دو متغیر بزرگتر از ۱/۹۶ و یا کوچکتر از ۱/۹۶- برآورد شود و یا اینکه P[مقدار مربوط به مسیرها کمتر از ۰/۰۵ باشد نشان از صحت رابطه بین سازه ها با اطمینان ۹۵ درصد دارد.

جدول ۶- نتایج برازش مدل عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان

جهت بررسی روابط مستقیم متغیرها					
نماد	بار عاملی	ضریب ضریب	خطای معیار	آماره T	P مقدار
عوامل جامعه شناختی	۰.۹۰۸	۰.۸۵۸	۰.۰۹۹	۸.۶۵	<۰.۰۰۱
عوامل اقتصادی					

عوامل فرهنگی	۰.۷۶۲	۰.۸۵۱	۰.۰۹۴	۹.۰۲۱	<۰.۰۰۱
عوامل اجتماعی	۰.۸۸۷	۱			
وضعیت اقتصادی خانواده	q1	۰.۶۸۱	۱		
نابرابری اقتصادی	q2	۰.۷۴۶	۰.۰۸	۱۲.۰۱۱	<۰.۰۰۱
فرصت‌های شغلی	q3	۰.۷۶۲	۰.۱۱	۱۰.۱۵	<۰.۰۰۱
سطح تحصیلات	q4	۰.۷۴۸	۰.۰۹۹	۱۰.۰۱۷	<۰.۰۰۱
بیکاری	q5	۰.۷۵۵	۰.۱۰۵	۱۰.۱۳۵	<۰.۰۰۱
امنیت شغلی	q6	۰.۷۴۱	۰.۱۰۹	۹.۹۷۵	<۰.۰۰۱
بودجه‌بندی عمومی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها	q7	۰.۷۴۸	۰.۱۰۸	۱۰.۰۱۷	<۰.۰۰۱
سیاست‌های اقتصادی دولت	q8	۰.۷۳	۰.۱۰۳	۹.۸۰۷	<۰.۰۰۱
توسعه اقتصادی	q9	۰.۷۸۳	۰.۱۱۶	۹.۱۸۷	<۰.۰۰۱
فقر و محرومیت اقتصادی	q10	۰.۷۳۵	۰.۰۹۵	۱۱.۰۱	<۰.۰۰۱
خانواده	q11	۰.۸۱۳	۱		
آموزش و مدارس	q12	۰.۷۰۴	۰.۰۷	۱۱.۴۳۱	<۰.۰۰۱
دوستان و همسالان	q13	۰.۷۲۳	۰.۰۷۳	۱۱.۸۱۸	<۰.۰۰۱
رسانه‌ها	q14	۰.۷۱۱	۰.۰۷۳	۱۱.۵۴۷	<۰.۰۰۱
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	q15	۰.۷۳۹	۰.۰۷	۱۲.۱۶۵	<۰.۰۰۱
سازمان‌های مدنی و گروه‌های داوطلبانه	q16	۰.۷۸۹	۰.۰۹۰۲	۱۳.۳۳	<۰.۰۰۱
سازمان‌ها و احزاب سیاسی	q17	۰.۷۴۳	۰.۰۸۳۱	۱۲.۲۴۱	<۰.۰۰۱
جنبش‌ها و تحولات سیاسی	q18	۰.۷۱۸	۰.۰۸۴۵	۱۱.۷۲۶	<۰.۰۰۱

عوامل اقتصادی

عوامل اجتماعی

محیط زیست	q19	۰.۷۰۸	۰.۷۶۶	۰.۰۶۷	۱۱.۵۰۶	<۰.۰۰۱
فرهنگ و ارزش‌های جامعه	q20	۰.۶۸۳	۰.۸۲۷	۰.۰۷۵	۱۰.۹۸۳	<۰.۰۰۱
رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی	q21	۰.۷	۰.۸۵۹	۰.۰۷۶	۱۱.۳۵	<۰.۰۰۱
فرصت‌های مشارکت سیاسی	q22	۰.۷۸۷	۰.۹۷	۰.۰۸	۱۲.۱۲۷	<۰.۰۰۱
قوانین و سیاست‌های دولتی	q23	۰.۷۲۸	۰.۸۵۱	۰.۰۷۲	۱۱.۸۷۶	<۰.۰۰۱
آگاهی سیاسی	q24	۰.۷۷۷	۰.۹۰۲	۰.۰۷۹	۱۱.۳۸۴	<۰.۰۰۱
ارزش‌های خانوادگی	q25	۰.۷۸۴	۱			
سیستم آموزشی	q26	۰.۸۵۱	۱.۰۵۵	۰.۰۷۷	۱۳.۷۸۱	<۰.۰۰۱
ادبیات و هنر	q27	۰.۸۰۷	۰.۹۵	۰.۰۷۴	۱۲.۸۹۲	<۰.۰۰۱
دین و مذهب	q28	۰.۷۹	۰.۹۹۲	۰.۰۷۸	۱۲.۶۳۳	<۰.۰۰۱
سنت‌ها و آیین‌ها	q29	۰.۷۸۳	۰.۹۲۶	۰.۰۷۴	۱۲.۴۴۲	<۰.۰۰۱
فرهنگ سازمانی و محیط کار	q30	۰.۷۵۹	۰.۹۴۳	۰.۰۷۸	۱۲.۰۶۳	<۰.۰۰۱
ارزش‌های ملی و هویت قومی	q31	۰.۷۹۴	۰.۹۶	۰.۰۷۲	۱۳.۲۷۳	<۰.۰۰۱
فناوری و تکنولوژی	q32	۰.۷۵۹	۰.۸۸۴	۰.۰۷۳	۱۲.۰۳۹	<۰.۰۰۱
جنبش‌های اجتماعی و سیاسی	q33	۰.۸۰۱	۱.۰۵۹	۰.۰۹	۱۱.۸۱۵	<۰.۰۰۱

همچنین R2 مربوط به عوامل اقتصادی ۰.۸۲، عوامل فرهنگی ۰.۵۸ و عوامل اجتماعی ۰.۷۹ برآورد شده است. شاخص R2 میزان تاثیری که یک متغیر درونزا بر یک متغیر درونزا می‌گذارد را اندازه‌گیری می‌کند. مقدار R2 تنها برای متغیرهای وابسته یا درونزای مدل محاسبه می‌شود و این مقدار برای سایر متغیرها صفر می‌باشد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت R2 قابلیت متغیرهای مستقل را در پیش‌بینی متغیر وابسته نشان می‌دهد. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان

ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی می کند. مشاهده می شود که R^2 مربوط به عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی در سطح قابل توجه و R^2 مربوط به عوامل فرهنگی در سطح متوسط می باشد. می توان ادعا کرد که ۸۲ درصد تغییرات عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان توسط عوامل اقتصادی تبیین می شود. این در حالی است که ۷۹ درصد تغییرات عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان توسط عوامل اجتماعی تبیین می شود. همچنین، ۵۸ درصد تغییرات عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان توسط عوامل فرهنگی تبیین می شود.

نتیجه گیری

جامعه پذیری سیاسی آموزشی است که بدان وسیله از یک سو فرد ایستارها و سمت گیری هایی نسبت به پدیده سیاسی کسب می کند و از سوی دیگر جامعه هنجارهای سیاسی و باورها را از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهد. این روند انتقال خود به خودی صورت نمی گیرد بلکه عاملها و مجاری مهمی در این روند دخالت دارند نظریات آنتونی اورم و دووس در خصوص موسسات و عناصر موثر بر جامعه پذیری سیاسی و اجتماعی افراد اشاره داشته اند اوروم معتقد است در فرایند جامعه پذیری یک فرد چهار عنصر کلیدی و مهم یعنی والدین گروههای همسالان مدارس و رسانه های جمعی نقش دارند از طرف دیگر دووس است که در فرایند جامعه پذیری یک فرد عناصری همچون ساختار سیاسی رسمی ساختار سیاسی غیر رسمی فعالیتهای فاقد ساختار رویدادها و خود شخص یا تاثیر گذار می باشند.

جهت برازش مدل عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. جهت برازش مدل کلی ابتدا شاخص های مربوط به عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی شناسایی شده و در نهایت پس از برازش مدل اندازه گیری کلی و تایید کیفیت آن مدل عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان مورد بررسی قرار گرفته است. جهت بررسی روایی و پایایی هر سازه به

ترتیب شاخص های میانگین واریانس استخراج شده AVE و پایایی مرکب CR و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می شوند. در صورتی که مقدار میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه بیش از ۰.۵ باشد سازه مورد نظر دارای اعتبار روایی می باشد و مقدار ضریب CR و آلفای کرونباخ بیش از ۰.۷ نیز اعتبار پایایی سازه را تایید می کند. جهت بهبود شاخص های نیکویی برازش مدل اصلاح شده و بین برخی شاخص ها همبستگی لحاظ شده است. معیار کای دو به درجه آزادی (۱.۹۸۹) کمتر از ۵، RMSEA (۰.۰۶۸) کمتر از ۰/۱ و شاخص های CFI (۰.۹۷۴)، GFI (۰.۹۴۸) و TLI (۰.۹۶۵) بیش از ۰/۹ و شاخص AGFI (۰.۹۱۳) بیش از ۰/۸ و مقدار قابل قبولی داشته اند. بنابراین شاخص های نیکویی برازش مدل اندازه گیری عوامل اقتصادی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان، نشان می دهد که مدل با داده های جمع آوری شده از نمونه آماری تحقیق برازش خوبی دارد، یعنی گویه های مورد استفاده برای سنجش متغیر پنهان عوامل اقتصادی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان به درستی بکار گرفته شده اند. بنابراین بررسی نتایج بارهای عاملی و شاخص های نیکویی برازش حاکی از برازش مناسب مدل می باشد و همه ی شاخص ها در محدوده ی مورد پذیرش، واقع شده اند و مدل اندازه گیری عوامل اقتصادی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان مورد پذیرش می باشد. بنابراین شاخص های عوامل اقتصادی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان مورد پذیرش می باشد و به درستی اتخاذ گردیده اند.

جهت بهبود شاخص های نیکویی برازش مدل اصلاح شده و بین برخی شاخص ها همبستگی لحاظ شده است. معیار کای دو به درجه آزادی (۲.۲۱۳) کمتر از ۵، RMSEA (۰.۰۷۵) کمتر از ۰/۱ و شاخص های CFI (۰.۹۵۹)، GFI (۰.۹۰۶) و TLI (۰.۹۴۶) بیش از ۰/۹ و شاخص AGFI (۰.۸۵۷) بیش از ۰/۸ و مقدار قابل قبولی داشته اند. بنابراین شاخص های نیکویی برازش مدل اندازه گیری عوامل اجتماعی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان، نشان می دهد که مدل با داده های جمع آوری شده از نمونه آماری تحقیق برازش خوبی دارد، یعنی گویه های مورد استفاده برای سنجش متغیر پنهان عوامل اجتماعی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان به درستی بکار گرفته شده اند. بنابراین بررسی نتایج بارهای عاملی و شاخص های نیکویی برازش حاکی از برازش

مناسب مدل می‌باشد و همه‌ی شاخص‌ها در محدوده‌ی مورد پذیرش، واقع شده‌اند و بنابراین شاخص‌های عوامل اجتماعی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان مورد پذیرش می‌باشد و به درستی اتخاذ گردیده‌اند.

جهت بهبود شاخص‌های نیکویی برازش مدل اصلاح شده و بین برخی شاخص‌ها همبستگی لحاظ شده است. معیار کای دو به درجه آزادی (۲۶۱۵) کمتر از ۵، RMSEA (۰۰۸۶) کمتر از ۰/۱ و شاخص‌های CFI (۰۹۷۰)، GFI (۰۹۳۵) و TLI (۰۹۵۸) بیش از ۰/۹ و شاخص AGFI (۰۸۸۸) بیش از ۰/۸ و مقدار قابل قبولی داشته‌اند. بنابراین شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری عوامل فرهنگی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان، نشان می‌دهد که مدل با داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه آماری تحقیق برازش خوبی دارد، یعنی گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیر پنهان عوامل فرهنگی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان به درستی بکار گرفته شده‌اند. بنابراین بررسی نتایج بارهای عاملی و شاخص‌های نیکویی برازش حاکی از برازش مناسب مدل می‌باشد و همه‌ی شاخص‌ها در محدوده‌ی مورد پذیرش، واقع شده‌اند و بنابراین شاخص‌های عوامل فرهنگی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان مورد پذیرش می‌باشد و به درستی اتخاذ گردیده‌اند.

همانطور که از جدول برمی‌آید الگوی نهایی عوامل جامعه‌شناختی موثر در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان نیازی به اصلاح ندارد. همچنین بر اساس نتایج شکل ۴-۵ R2 مربوط به عوامل اقتصادی ۰/۸۲، عوامل فرهنگی ۰/۵۸ و عوامل اجتماعی ۰/۷۹ برآورد شده است. شاخص R2 میزان تأثیری که یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا می‌گذارد را اندازه‌گیری می‌کند. مقدار R2 تنها برای متغیرهای وابسته یا درونزای مدل محاسبه می‌شود و این مقدار برای سایر متغیرها صفر می‌باشد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت R2 قابلیت متغیرهای مستقل را در پیش‌بینی متغیر وابسته نشان می‌دهد. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R2 معرفی می‌کند. مشاهده می‌شود که R2 مربوط به عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی در سطح قابل توجه و R2 مربوط به عوامل فرهنگی در سطح متوسط می‌باشد.



می توان ادعا کرد که ۸۲ درصد تغییرات عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان توسط عوامل اقتصادی تبیین می شود. این در حالی است که ۷۹ درصد تغییرات عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان توسط عوامل اجتماعی تبیین می شود. همچنین، ۵۸ درصد تغییرات عوامل جامعه شناختی موثر در جامعه پذیری سیاسی جوانان توسط عوامل فرهنگی تبیین می شود.

منابع

- آلموند و پاول (۱۳۷۵)، جامعه پذیری و فرهنگ سیاسی ترجمه علیرضا طیب، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۱۳ ۱۱۴
- آلموند گابریل و دیگران (۱۳۷۸)، چارچوبی برای سیاست تطبیقی ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی
- اختر شهر، علی (۱۳۸۶)، مولفههای جامعه پذیری سیاسی در حکومت، دینی، چاپ اول تهران انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) آموزش دانش، سیاسی چاپ، سوم، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- جعفری نژاد، مسعود (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل نقش معلمان بر جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان دوره متوسطه مطالعه موردی بخش پیر بکران مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی، سال دوم، بهار و تابستان .
- چلیکوت، رونالد (۱۳۷۷)، نظریههای سیاست مقایسههای ترجمه وحید ده بزرگی و علیرضا، طیب چاپ دوم، تهران، رسا .
- خواجه سروی غلامرضا، (۱۳۷۸) جامعه پذیری سیاسی در نسل جوان و ثبات سیاسی در ایران فصلنامه مطالعات راهبردی شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان .
- راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست مقدمه ای بر جامعه شناسی، سیاسی، چاپ سوم، تهران سبزی پور، حامد (۱۳۸۷)، جامعه پذیری سیاسی مروری کوتاه بر ادبیات موضوع، ماهنامه رشد علوم، اجتماعی دوره یازدهم شماره ۴ تابستان .
- عالم عبدالرحمان (۱۳۷۵)، بنیادهای علم، سیاست چاپ سوم، تهران، نشر نی
- عبدالرحمن عبدالله محمد (۱۳۸۰) جامعه پذیری، سیاسی ترجمه کامیار صداقت ثمر حسینی چاپ اول تهران جوان

فیروز حایان علی اصغر و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷) تحلیل جامعه شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان؛ نمونه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره نهم، بهار و تابستان.

قوام عبدالعلی (۱۳۶۹) درآمدی بر جامعه پذیری، سیاسی مجله نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره هجدهم، شماره یک

کمالی علی اکبر (۱۳۷۴)، بررسی مفهوم جامعه پذیری چاپ، دوم، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی محمدزاده راوندی، مهدی و مهکویی، حجت و صابری، حمید، ۱۴۰۱، تبیین رابطه جامعه پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان های کاشان و آران و بیدگل)،

مسیبی داریانی، پریا و افکنانه، صغری و پارسا معین، کورش و ناظم، فتاح، ۱۴۰۱، طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی به منظور جامعه پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی (مورد مطالعه: دانش آموزان رشته فنی و حرفه ای)

مهرداد، هرمز، (۱۳۷۶) جامعه پذیری، سیاسی چاپ اول، تهران پازنگ

Bullis, C and B. Bach, (2003), Socialization Turning Points: An Examination of Change in Organizational Identification, Paper Peresented at the Annual

Meeting of the Western Speech Communication Association Spokane, WA.

ERIC Document Number ED. Data, A.Education and society,(2001), A sociology of African Education Macmillan.

Essen, A.J.A,(2010), Implication for Secondary Education in Nigeria Paper presented at the 40th All Nigeria Conference of Principals of Secondary Schools (ANCOPSS). Uyo, Akwa Ibom state, Nigeria,Vision.

Langton, K.P, (1992), Political Socialization, London. Oxford University Press.

Shipman, M.D, (1995), The Sociology of the School, London: Longman.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی